سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی

ظهور جناح سوم بعید است

طرح ظهور «جناح سوم» در کشور باعث شد تا محمد سلامتی دبیرکل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران که تشکل متبوع او به عنوان یکی از لیدرهای جریان چپ محسوب می شود در گفت وگویی آن را بعید بداند. او در گفت وگو با خبرنگار ایسنا گفت: «در شرایطی که دو جناح اصلی، طیف گسترده ای دارند، هر جریان نوظهوری در ذیل یکی از دو جناح قرار خواهد گرفت. سلامتی در ادامه احتمال دسته بندی خاص در دو جناح را بعید ندانست اما گفت که در جناح مقابل اصلاحات این احتمال بیشتر است. چرا که قدرت را در اختیار دارد.» سلامتی هدف کسانی که ظهور جناح سوم را مطرح می کنند، «ایده آل تلقی کردن دیدگاه خاص خود» عنوان کرد و گفت: خیلی دور از ذهن نیست که در جناح مقابل اصلاحات عده ای حضور داشته باشند که گمان شود حرف های جدیدتر و بهتر دارند و بتوانند افرادی را جذب کنند و تشکیلاتی را به وجود آورند، اما واقعیت غیر از این را نشان می دهد؛ چرا که میدان در هر دو جناح گسترده است، در نتیجه هر گروهی که بخواهد قد علم کند، در یکی از این دو جناح برای او جایی باز است. او در عین حال به نکته مهمی اشاره کرد. «یک جامعه وقتی بیمار شود و شرایط سیاسی مناسبی نداشته باشد، آدم های بینابین در آن زیاد به وجود می آید؛ چرا که شرایط اقتضا می کند جناح های سیاسی چندان نتوانند در جامعه جایی باز کنند و اینان همواره کارها را قبضه می کنند؛ مثلاً ممکن است برای جناح اصلاحات شرایطی ایجاد شود که نتواند از عناصر فعال سیاسی خود که نقش اصلی را در تحرک جامعه دارند، استفاده کند و ناچار باشد از عناصری که فعالیت سیاسی چندان و یا خاصیت تحرک اجتماعی ندارند، استفاده کند، اما این بیماری سیاسی یک جامعه تلقی می شود، نه حسن آن.»

جبهه مشارکت ایران اسلامی

پنج ویژگی مشارکت

«تبارشناسی احزاب» و «تعریف هویت احزاب» یکی از موضوعات کلیدی برای وابستگان و اعضای حزبی است که تاسیس شده است. بر همین اساس بود که مصطفی تاج زاده عضو شورای مرکزی حزب مشارکت تلاش کرد تا در سخنان خود که به دعوت کمیته دانشجویی حزب مشارکت اصفهان برگزار شده بود به یکی از مباحث درونی این حزب بپردازد. «حزب مشارکت کیست و چه می خواهد» موضوعی بود که تاج زاده به آن پرداخت. بر همین اساس او پنج ویژگی «ایرانی بودن»، «مسلمان بودن»، «دموکرات بودن»، «صلح طلب بودن» و «توسعه و عدالت خواه بودن» را به عنوان ویژگی های جبهه مشارکت برشمرد.

۱- ما ایرانی هستیم؛ نه از این جهت که فقط در ایران به دنیا آمده ایم بلکه منافع ملی ایران را به منافع دیگر اولویت می دهیم و بر تمامیت ایران تاکید می کنیم و ایران را یک واحد ملی می دانیم که دارای اقوام متعدد با حقوق برابر است و معتقدیم که حفظ این مجموعه که به ما ارث رسیده است را آیندگان از ما طلب خواهند کرد و ما باید آن را حفظ کنیم.

۲- ما مسلمانیم؛ نه از این جهت که فقط فرایض اسلامی را انجام دهیم بلکه معتقدیم که از یک طرف اسلام در عرصه سیاست و اجتماع حضور دارد، همان گونه که همه معتقدند اسلام یک دین اجتماعی است ولی در عین حال با هرگونه حق ویژه برای هر فرد و قشر و گروهی مخالفیم و عرصه سیاست را عرصه رقابت آزاد می دانیم که کسی به صرف فقیه بودن یا مسلمان بودن و یا حتی شیعه بودن هیچ امتیازی بر دیگران ندارد ولی این آزادی را دارد که حتی در ذیل نام جمهوری اسلامی و احزاب با گرایش های مختلف بتواند فعالیت کند و هر که ملت انتخاب کرد او حق اداره کشور را دارد و از آن طرف هم به شدت مخالف این هستیم که افراد خاصی به دلیل گرایشاتشان از صحنه حذف بشوند و به عبارت دیگر نه سیاست را در انحصار روحانیت و یا حتی مسلمانان می دانیم و نه معتقد به حذف روحانیت و یا کسانی که بخواهند با اندیشه دینی در عرصه عمومی فعالیت کنند، هستیم.

۳- ما دموکراتیم؛ دموکراسی را تنها راه نجات این کشور می دانیم چرا که تنها راه انسانی اداره جامعه است که موجب پایان دادن به ظلم و تحقیر فردی و عقب ماندگی اجتماعی و ملی که طی قرون گذشته گرفتارش بودیم می شود و معتقدیم که دموکراسی و حقوق بشر با هم توام اند و فکر می کنیم همان گونه که جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق بشر متعهد شده وظیفه دولت این است که وظیفه و نقش مدنی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شهروندانش را پاس بدارد.

۴- ما صلح طلبیم؛ درست در دوره ای که فضای نظامی گری و ماجراجویی به خصوص در منطقه خاورمیانه سنگین تر از همه گذشته خود بوده، به طور جدی تاکید بر صلح داریم و یکی از شعارهای جدی ما در انتخابات نیز دموکراسی در خانه و صلح در جهان بود.

۵- ما توسعه طلب و عدالت خواهیم؛ معتقدیم جامعه ما از تبعیض و بی عدالتی رنج فراوانی دیده منتها عدالت را فقط در جنبه اقتصادی اش منحصر نمی کنیم و معتقدیم که با منابع و ثروت های خدادادی می توانیم در یک مدت معقول یک زندگی شرافتمندانه برای هر ایرانی فراهم کنیم و این فرصت باید برای هر شهروندی فراهم باشد که ضمن بهره مندی از این زندگی در عرصه سرنوشت هم فعالیت کند.

حزب اعتماد ملی

حل مسائل با هاشمی

ایسنا: سیدرسول موسوی عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی با اعتقاد بر اینکه حزب کارگزاران سازندگی با توجه به سوابقی که دارد و البته با عنایت به کاندیدا شدن هاشمی رفسنجانی در انتخابات خبرگان این امکان وجود دارد که به سوی جامعه روحانیت مبارز و جامعه مدرسین کشیده شده و با آنها اجماع کند، گفت: البته این بحث در بین گروه های اصلاح طلب وجود دارد که اگر مسائل خود را با آقای هاشمی رفسنجانی حل کنند از او برای نامزد شدن در انتخابات خبرگان پشتیبانی کنند. او با تاکید بر اینکه برای ایجاد اشتراک و وحدت نظر و تفاهم هرچه بیشتر در بین گروه های جناح های سیاسی باید به صورت همسان به نظریه حضرت امام (ره) در رابطه با دو رکن نظام یعنی جمهوریت و اسلامیت برگشت، گفت: این دو رکن به گفته معمار و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران باید هماهنگ و هم وزن پیش برود.

مجمع روحانیون مبارز

جریان سوم دور از ذهن نیست

«فعالیت هایی که امروز در برخی نهادهای قدرت صورت می گیرد و یا بعضی از شخصیت های روحانی آغاز کرده اند، به مفهوم شکل گرفتن یک جناح سوم یا تعریف های مشخصی که از جناح ها داریم، نیست.» این جمله نگاه سیدعبدالواحد موسوی لاری عضو شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز در گفت وگو با ایسنا است. او با اینکه «تشکیل جریان سوم را دور از ذهن نمی داند»، اما طرح مواردی به عنوان جریان سوم و یا تفکر نو را که محورش در قم است قبول ندارد. موسوی لاری همچنین طرح مباحثی همچون هاشمی رفسنجانی و یا مصباح یزدی، محوریت جریان سوم را دارند، رد کرد. وی در عین حال گفت: «از سویی تشکل هایی مثل اعتدال و توسعه و کارگزاران سازندگی که دوستان آقای هاشمی رفسنجانی آنها را تشکیل داده اند، امروز به نحوی از وی حمایت می کنند و آقای هاشمی با آنها ارتباط دارد. این تشکل ها با جریان های اصلاح طلب مرتبط هستند و پیوند بین هاشمی رفسنجانی و جریان های اصلاح طلب را به وجود می آورند.» موسوی لاری ادامه داد: «این وضعیت یعنی این که هاشمی رفسنجانی از یک سو عضو جامعه روحانیت است و از سویی از طریق احزاب و تشکل های مرتبط با ایشان با جریان های اصلاح طلب ارتباط دارد، را آقای هاشمی در گذشته هم داشته و الان نیز دارد؛ از این رو به نظر می رسد، اگر ایشان بخواهد نقش فعال تری در جریان های سیاسی کشور داشته باشد، این توان را دارد؛ اما در بحث تشکیل جریان سوم، باورم نیست که آقای هاشمی در مقابل جریان های موجود بخواهد یک جریان جدید را تعریف کند و یا این که بتواند چنین جریانی را تعریف کند.» او درباره علت طرح تشکیل جریان سوم با محوریت هاشمی رفسنجانی در این مقطع گفت: «مخالفان هاشمی رفسنجانی از یک سو روش های مشمئزکننده ای را علیه ایشان آغاز کردند؛ اینها همان هایی هستند که در جریان انتخابات، ناجوانمردانه به ایشان حمله و توهین و از هر حرکتی برای تخریب او استفاده کردند.» این عضو ارشد مجمع روحانیون مبارز با تاکید بر این که به نظر می رسد این وضعیت، هنوز ادامه دارد، خاطرنشان کرد: «در انتخابات خبرگان سخن از نقش جدی هاشمی رفسنجانی در میان است و این احتمال وجود دارد که او تنها چهره ای باشد که برای ریاست مجلس خبرگان در دوره آینده مطرح است؛ از این رو جناح رقیب تلاش می کند این مسئله را از نظر دور کند.» موسوی لاری در ادامه با اشاره به فعالیت های جریان های همراه هاشمی اضافه کرد: «جریان های همراه با رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام از حرکات زشت و زننده ای مثل حادثه قم این روزها استفاده می کنند. البته مسئله ای مثل حادثه قم، اولین بار نبود که اتفاق افتاد و آخرین بار هم نخواهد بود. این اتفاقات قبلاً برای افرادی مثل خاتمی و وزرای دولت ایشان اتفاق می افتاد و حتی تا مرز کتک زدن و به هم ریختن جلسات آنها هم پیش می رفت.» موسوی لاری در عین حال مصباح یزدی را یک شخصیت روحانی محترم که دارای سلیقه و تفکر خاص خود است معرفی کرد و گفت: «ایشان هرگز در متن جریان های سیاسی نبوده است؛ از این رو نمی تواند لیدر یک جریان سیاسی باشد. ایشان بیشتر از ناحیه جریان های سیاسی مطرح می شود؛ در واقع جریان های سیاسی پشت سر آقای مصباح، جریان های واقعی هستند. آنها حتی در بعضی نهادهای رسمی هم حضور دارند. مصباح و جریانی که می گویند ایشان محور آن است را این طور تعریف می کنم که آقای مصباح یک روحانی، استاد حوزه با تفکر و سلیقه ای خاص است که برخی جریان های سیاسی احساس کرده اند او با این سلیقه و تفکر می تواند به آنها کمک کند و در مقابله با رقبایشان از وجود او می توانند استفاده کنند.» موسوی لاری با تاکید بر این که در کاغذی که نام افراد آمده، حتی ممکن است اشخاصی باشند که از نظر فکری با مجمع روحانیون سنخیتی ندارند، در عین حال از هاشمی رفسنجانی به عنوان یکی از چهره های مطرح در جریان مجلس خبرگان نام برد و اضافه کرد: «آقای هاشمی طرفداران زیادی حتی در احزاب و گروه های اصلاح طلب دارد و چه بسا که جریان های اصلاح طلب هم در مجلس خبرگان به ایشان نظر مثبت داشته باشند؛ اما باز هم تاکید می کنم که ما تاکنون هیچ فهرستی نداده ایم.»

حزب کارگزاران سازندگی

اسلام و لیبرالیسم

آفتاب: «اسماعیل جبارزاده» عضو شورای مرکزی کارگزاران سازندگی گفت: «کسانی که می گویند دین اسلام با لیبرالیسم یا دموکراسی جور درنمی آید در تلاش هستند تا اسلام را به سود خود و حزب متبوعشان مصادره کنند.» به دنبال اعلام حزب کارگزاران به عنوان یک حزب «لیبرال دموکرات مسلمان» توسط «حسین مرعشی» و اظهارات دبیرکل حزب موتلفه مبنی بر اینکه مفاهیمی مانند لیبرالیسم با اسلام در تناقض هستند اسماعیل جبارزاده گفت: «لیبرالیسم یا دموکراسی اصطلاحات رایج سیاسی دنیا هستند. منظور آقای مرعشی هم از لیبرالیسم میانه روی و منظور ایشان از دموکرات بودن تن دادن به قواعد دموکراتیک است. حال آقای حبیبی باید بگویند که کدام یک از این مفاهیم با اسلام در تناقض هستند؟»

حزب اعتدال و توسعه

بار دیگر هاشمی رفسنجانی

غلامعلی دهقان سخنگوی حزب اعتدال و توسعه: ۱- هنوز اولین بهار یکمین سال پیروزی انقلاب اسلامی به پایان نرسیده که گروهک فرقان دو تن از صاحبان اندیشه انقلاب را ترور کرد. نخستین آنها استاد مرتضی مطهری بود و دومین آنان حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی که این بار تیر فرقانیان کارگر نیفتاد و هاشمی از آن مهلکه با جراحتی شدید جان به سلامت برد.

۲- نهضت انقلابی مردم ایران به تابستان خونین ۱۳۶۰ رسید. معرکه ای که منافقان از مدت ها قبل سناریوی آن را تهیه کرده بودند. آتش تهیه این معرکه، جنگ روانی بود که منافقین از چند ماه قبل به راه انداخته و سه شخصیت انقلابی از سوی آنان تخریب می شدند؛ همان سه نفری که مردم انقلابی در تاییدشان می گفتند: «درود بر سه یاور خمینی- هاشمی و دو سید حسینی.» سرانجام در شب هفتم تیر سال ۱۳۶۰ منافقین ۷۲ تن از فرزندان مظلوم انقلاب را به شهادت رساندند. روز قبل از این فاجعه آن سید حسینی دیگر- آیت الله خامنه ای- ترور و در بیمارستان در حالت اغما بود که با فضل الهی و دعای خیر مردم، ایشان به سلامت از این فاجعه بیرون آمد تا بعدها هدایت سکان کشتی انقلاب را در اقیانوس متلاطم سیاست برعهده گیرد. در این هروله هول و هراس، آن که مانده بود، هاشمی رفسنجانی بود.

۳- صدام در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به شانزده لشکر خود فرمان جنگی را صادر کرد که هشت سال طول کشید. سرانجام جنگ بدون آنکه منفعتی برای متجاوز داشته باشد، به پایان رسید و عصر دیگری در تاریخ ایران آغاز شد. نوبت عمران و سازندگی و بازسازی خرابی های جنگ فرارسیده بود. مرحله ای حساس در تاریخ کشور که اهمیت آن کمتر از مقطع قبلی نبود. هاشمی رفسنجانی مدیریت مجلس سوم را در نیمه عمر آن مجلس ترک و پا به عرصه مدیریت قوه دیگری از قوای سه گانه گذاشت. او مسئولیت قوه مجریه را پذیرفت، در حالی که کشور با کوهی از مشکلات باقیمانده از جنگ روبه رو بود. اما هاشمی رفسنجانی مرد میدان های سخت و اهل آزمون های دشوار انقلاب بود. وی آمده بود تا کشور، زیرساخت های اقتصادی خود را محکم و در عرصه های گوناگون اقتصادی به خودکفایی برسد. سالیانی بعد، کشور از ورود محصولات پتروشیمی بی نیاز و تولید این محصولات به چند میلیون تن در سال رسید، واردات فولاد متوقف و کشور در آستانه تولید مازاد فولاد واقع شد، خاموشی های چند ساعت در شبانه روز ایام پایانی جنگ خاتمه و با افتتاح ده ها کارگاه و کارخانه اقتصاد کشور جانی دیگر گرفت.

۴- هشت سال دولت هاشمی در سال ۷۶ به پایان رسید و با حضور مردم در دوم خرداد همان سال حماسه ای دیگر رقم خورد. دو خرداد ۷۶ به تعبیر رهبر فرزانه انقلاب حماسه حضور و مشارکت گسترده مردم انقلابی آن هم سال ها پس از پیروزی انقلاب در تعیین سرنوشت خود بود. روزهای منتهی به دو خرداد. روزهای رواج و گسترش شایعه تقلب در نتیجه انتخابات بود. هاشمی رفسنجانی هفته ای مانده به دو خرداد در خطبه های نماز جمعه به صحنه آمد و اعلام کرد که رئیس جمهور آینده همان است که مردم انتخاب کنند. در آستانه انتخابات مجلس ششم بار دیگر هاشمی عزم آن کرد که به مجلس بیاید، چه اینکه تفکر افراطی گری گفتمان غالب کشور شده و هاشمی تصمیم داشت مجلس ششم، مجلس اعتدال باشد. اما در همهمه جار و جنجال و غوغا و در فضای تخریب و ترور شخصیت و مج گیری های سیاسی و آگراندیسمان (بزرگنمایی) نقطه ضعف رقیب، ندای اعتدال کمتر به گوش ها رسید. اما گذشت زمان اثبات کرد، افراطی گری را هم تاریخ مصرفی است! رادیکالیسم چپ در این انتخابات به هاشمی جفاها کرد.

۵- موسم انتخابات نهم ریاست جمهوری از راه رسید و سرانجام هاشمی رفسنجانی بر تردیدهای خود فائق شد و در عرصه انتخابات نهم حضور پیدا کرد. هاشمی می توانست به خاطره دو دوره ریاست جمهوری قبلی (۷۶- ۶۸) و ریاست مجمع تشخیص مصلحت فعلی بسنده کند و در انتخابات نهم حضور پیدا نکند، اما او که خطر نوع دیگری از رادیکالیسم را برای جامعه احساس می کرد، ریسک خطر را به جان خرید و پا به میدان رقابت نهم گذاشت. رادیکالیسم راست در این عرصه جانشین رادیکالیسم چپ شد و بی مهری های انتخابات مجلس ششم تکرار شد. رادیکالیسم، رادیکالیسم است از هر نوعی که باشد!

۶- تا برگزاری چهارمین دوره انتخابات مجلس خبرگان فرصت زیادی باقی نمانده است. اما باز هم سخن از آمدن یا نیامدن هاشمی رفسنجانی در این عرصه است. برخی می گویند وی نباید بهتر است، چون در دو انتخابات مهم گذشته با تخریب های ناروا روبه رو شده و بیم تکرار حوادث گذشته می رود و بعضی هم از ضرورت حضور او در مجلس خبرگان آتی دفاع می کنند و وی را مدافع آرمان جمهوری اسلامی و دیگر آرمان های انقلاب در مجلس خبرگان آینده می دانند. هاشمی می آید یا نمی آید؟ این پرسشی است که آینده جواب آن را خواهد داد. اما هاشمی نشان داده است منافع نظام و مصالح انقلاب را بر هر مسئله دیگری ترجیح می دهد ولو اینکه از آبروی خود هزینه کند.

حزب موتلفه اسلامی

جریان سوم تشکیل نمی شود

«پس از پیروزی انقلاب همواره گروه ها و احزاب، جریان سوم یا خط سوم را مطرح کرده و می کنند اما هیچ گاه به وقوع نپیوست.» اسدالله بادامچیان قائم مقام دبیرکل حزب موتلفه اسلامی نیز دیدگاه فوق را به عنوان نظر خود درخصوص ظهور جریان سوم مطرح می کند. او می گوید: «پس از پیروزی انقلاب اسلامی عده ای در منزل خانم پوران شریعتی جمع شدند و عنوان کردند که جریان سوم هستند، اما به جایی نرسیدند بعدها نیز آقای محسن رضایی عنوان کردند که جریان سوم تشکیل می دهند و نشریه ای هم به همین نام نشر کردند، اکنون نیز آبادگران تشکیل شده و گروهی با عنوان آبادگران جوان و گروهی با عنوان آباد گران اعتدال خود را جریان سوم می دانند. همه این گروه ها و افراد می خواستند جریان سوم را به وجود آورند اما هیچ وقت چنین جریانی تشکیل نشد.» بادامچیان در ادامه چنین نتیجه می گیرد: «همیشه در کشور یک جمع اکثریت و یک جمع اقلیت بوده اند و در واقع دو جریان عملاً حضور داشته اند اما در کنار آنها گروهی اعلام می کردند که ما نه با اکثریت و نه با اقلیت هستیم.» او درخصوص اظهاراتی مبنی براین که هاشمی رفسنجانی می تواند محوریت یک جناح اعتدالی را بر عهده بگیرد می گوید: «آقای هاشمی هیچ گاه نخواسته که رهبری جناح یا حزبی را بر عهده بگیرد. ایشان فراتر از احزاب و یک رکن انقلاب است و در زمان حزب جمهوری اسلامی و کارگزاران هم که سعی داشتند او را رهبر حزب عنوان کنند، نپذیرفتند. آقا هاشمی محدود به یک حزب و جریان نمی شود و وظیفه ایشان فرانگری است تا بتواند همه نیروها را برای نظام داشته باشد.» بادامچیان همچنین درباره مصباح یزدی نیز می گوید: آقای مصباح یزدی نیز یک فرد حوزوی است که نباید ایشان را وارد جریان سیاسی کنیم و ایشان نیز به دنبال تشکیل جریان سوم نیستند.

■ **تلاش عوامل فریب خورده**

بحث انتخابات مجلس خبرگان رهبری از جمله دیگر موضوعات هفته گذشته بود که حمیدرضا ترقی رئیس مرکز سیاسی حزب موتلفه اسلامی در مراسم سالگرد شهدای موتلفه اسلامی در استان فارس به آن پرداخت. او گفت: «از نظر ما انتخابات خبرگان، انتخاباتی تخصصی است و باید در حوزه روحانیت و مدرسین و فضلای روحانی به سمت شفاف سازی مصداق ها پیش رود. رسیدن به عناصر خبره در حوزه کار این متخصصان است و ما پیشنهادهای خود را به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و جامعه روحانیت مبارز می دهیم و این پیشنهاد حاکی از این خواهد بود که کدام فرد مورد نظر علما، از موقعیت مطلوبی برخوردار است. ما منتظر جمع بندی جلسات جامعه روحانیت مبارز و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم درباره خبرگان هستیم که هنوز لیست نهایی افراد مورد نظر این علما برای خبرگان تهیه نشده است.» وی در بخش دیگری از اظهارات خود گفت: دشمنان خارجی با کمک عوامل فریب خورده و متمایل به خود تلاش دارند نقش خبرگان را کمرنگ کنند و کاهش دهند، یعنی تبدیل مجلس خبرگان به مجلس کارشناسان، خبرگان فقه و از این قبیل و یا تردید ایجاد کردن نسبت به صلاحیت خبرگان و خارج کردن جایگاه بررسی صلاحیت از شورای نگهبان، تا مجلس خبرگان را از مسیر خود خارج کنند. ترقی همچنین گفت: اقدامی که اخیراً در قم در رابطه با هتک حرمت آقای هاشمی رفسنجانی صورت گرفت، کاملاً ناپسند و خارج از معیارهای اخلاقی بود. برخورد با این اقدام نباید زمینه هتک حرمت به آیت الله مصباح یزدی را فراهم کند زیرا ایشان مطهری زمان است.

جامعه روحانیت مبارز

لیست تکمیل نشده است

گروه سیاسی: لیست جامعه روحانیت مبارز هنوز برای انتخابات خبرگان تکمیل نشده است. ایسنا در گزارشی نوشت: «اعضای جامعه روحانیت مبارز همچنان در این زمینه در حال بحث و بررسی هستند و بعد از اینکه به نتیجه رسیدند باید با اعضای جامعه مدرسین نیز در مورد انتخابات خبرگان هماهنگ شده و بعد از ثبت نام لیست جامعه روحانیت مبارز به صورت کامل اعلام خواهد شد. همچنین در جامعه روحانیت مبارز در مورد حضور در انتخابات میان دوره ای مجلس نیز بحثی نشده است.» از سوی دیگر حسین ابراهیمی عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز در گفت وگویی با ایسنا مهم ترین علت شکاف بین اصولگرایان را نرسیدن به یک تصمیم قاطع در مورد معرفی کاندیدا در انتخابات ریاست جمهوری نهم بیان کرد. او در عین حال انتخابات خبرگان را یکی از عوامل ایجاد وحدت درونی اصولگرایان و اصلاح طلبان دانست و گفت: مطمئناً جامعتین به لیست واحد خواهند رسید و اختلافی میانشان وجود ندارد، از قبل هم اختلافی وجود نداشت، البته شاید روی چند نفر از کاندیداها تفاوت دیدگاه وجود داشته باشد.

جامعه اسلامی مهندسین

تکامل جریان سوم با هاشمی

«تشکیل خط سوم در انتخابات آینده خبرگان توسط آقای هاشمی به نفع دموکراسی در کشور است.» غلامحسین امیری عضو شورای مرکزی جامعه اسلامی مهندسین که با خبرنگار سیاسی آفتاب گفت وگو می کرد، افزود: «جریان میانه رو یا خط سوم از ابتدای انقلاب در کشور وجود داشته است اما در شرایط کنونی به تکامل خود رسیده است.» وی ادامه داد: «باید آقای هاشمی را به عنوان واقعیت اجتماعی پذیرفت به همین منظور افرادی با ایشان در ارتباط هستند تا ایشان را به این ماجرا ترغیب کنند که در صورت وقوع، این به سود نظام است.» امیری در پاسخ به این پرسش که «موانع شکل گیری این جریان را که مرتضی نبوی هم بر آن اصرار دارد، چه می داند؟» اظهار داشت: «هر جریان سیاسی که پدید می آید، عوامل بازدارنده و پیش برنده ای دارد اما عوامل پیش برنده این جریان بیشتر از موانع آن است.»

حزب الله

مبانی تصمیم گیری

حسین الله کرم: اصولگرایان به مثابه طیفی اند بر یک مرکز و دو پیرامون. رویکرد جریان های مرکزگرا بر آرمان گرایی و جریان پیرامون میانی بر واقع گرایی و جریان پیرامون بیرونی بر عمل گرایی استوار است. گرچه مبانی کلی تصمیم گیری در مرکز و دو پیرامون طیف اصولگرا همسو است ولی با توجه به رویکردهای متفاوت (آرمان گرایی، واقع گرایی، عمل گرایی) به تصمیم گیری های مختلف دست می یابند.

۱- جریان «حزب الله»

جریان «حزب الله» در مرکز طیف اصولگرایان قرار دارد و مبانی تصمیم گیری آن بر اساس حفظ اصول و ارزش های اسلامی و انقلابی مانند ولایت «پذیری»، شهادت طلبی، معنویت گرایی، عدالت خواهی، ساده زیستی، ظلم ستیزی و دفاع از مظلوم است. در این میان ولایت پذیری ستون خیمه و عنصر اصلی تصمیم سازی است. چنانچه مقام معظم رهبری موضعی را اعلام نمایند، بدون مولوی و ارشادی نمودن آن، سرلوحه تصمیم سازی جریان حزب الله قرار می گیرد. این روش تصمیم سازی علاوه بر مبنای شرعی (اطاعت از ولایت فقیه) بر مبنای قانونی (اجرای سیاست های لی متخذه از اصل ۱۱۰ قانون اساسی) نیز متکی است.

۲- جریان های «آبادگر»

جریان های «آبادگر» در پیرامون میانی طیف اصولگرایان قرار دارند و مبانی تصمیم گیری شان بر اساس ولایت «مداری»، عدالت خواهی، ساده زیستی، ظلم ستیزی و دفاع از مظلوم بوده و فاقد سایر مبانی هستند. در این میان گرچه ولایت «مداری» ستون خیمه و عنصر اصلی تصمیم سازی آنان است ولی تحت تاثیر متغیرهای سیاسی قرار دارند. نتیجه این روش، تصمیم سازی در چارچوب «واقع گرایی» است. به طوری که در طول زمان شاهد کم رنگ شدن آرمان ها و ارزش های اسلامی و انقلابی خواهند بود. آبادگران مجلس، آبادگران شورای اسلامی شهر تهران و آبادگران دولی و بخشی از اعضای جبهه پیروان خط امام و رهبری در پیرامون میانی طیف اصولگرایان قرار دارند.

۳- «بدنه اصلی پیروان خط امام و رهبری»

«بدنه اصلی پیروان خط امام و رهبری» در پیرامون بیرونی طیف اصولگرایان قرار دارند و مبانی تصمیم گیری شان بر اساس ولایت «گرایی»، معنویت گرایی، ظلم ستیزی و دفاع از مظلوم بوده و فاقد سایر مبانی هستند. در این میان گرچه ولایت «گرایی» ستون خیمه و عنصر اصلی تصمیم سازی آنان است ولی تحت تاثیر منافع فردی، گروهی و حزبی قرار دارند. نتیجه این روش تصمیم سازی در چارچوب «عمل گرایی» است به طوری که در طول زمان شاهد استحاله برخی از آرمان ها و ارزش های اسلامی و انقلابی خواهند بود. حزب موتلفه پس از جلسه با حزب تجدید نظرطلب مشارکت و حجت الاسلام ناطق نوری پس از مصاحبه با روزنامه غرب گرای شرق در این بخش از ساختار سیاسی اصولگرایان قرار می گیرند.

■ **جریان تجدیدنظرطلب**

چیدمان جریان تجدیدنظرطلب به مثابه طیف ساختاری مرکز- پیرامون قرار دارد. به طوری که روند گرایش به سمت مرکز با رویکردی افراطی همراه است. بینش جریان های مرکزگرا، اساساً بر دگماتیسم سیاسی (به مفهوم ایمان به سکولاریسم) و بینش جریان های پیرامون گرا، بر عمل گرایی استوار است، از این رو مبانی کلی تصمیم گیری مرکز و پیرامون همسو نیست ولی به دلیل اشتراک در مخالفت با جریان اصولگرا نوعی همگرایی در تصمیم گیری را به نمایش می گذارد. البته این همگرایی تا زمان کسب قدرت ادامه دارد ولی پس از آن به انحصارطلبی (مانند انحصارطلبی حزب مشارکت در دولت هشتم) یا به نوعی گسست (مانند استعفای نمایندگان تجدیدنظرطلب شورای اول اسلامی شهر تهران) یا به اپوزیسیون گرایی (تحصن ۷۰ نفره برخی از نمایندگان مجلس) می رسند.

۱- جبهه دموکراسی خواهی و جبهه صلح طلبی

جبهه دموکراسی خواهی و جبهه صلح طلبی (شامل حزب مشارکت، سازمان مجاهدین انقلاب، افرادی با محوریت ابراهیم یزدی یا با محوریت عزت الله سحابی) جریان مرکزگرای طیف تجدیدنظرطلب است که مبانی تصمیم گیری شان بر اساس جزم گرایی سکولاریستی (جدایی ایدئولوژی ازسیاست یا جدایی دین از دولت)، غرب گرایی و جمهوری خواهی است. گرچه این مبانی از یک سو بر تجدیدنظر افراطی نسبت به اصول و ارزش های اسلامی و انقلابی تاکید دارد ولی از سوی دیگر با وجود نیروهای محدود اقدام به تشکیل دو جبهه مجزا کرده اند که نشان از شکاف و ظاهری بودن اشتراک در مبانی دارد به طوری که به تشکیل دو جمهوری سوسیالیستی و جمهوری لیبرالیستی اشاره می کنند. از آنجا که عنصر اصلی تصمیم سازی بیان مبانی سه گانه (سکولاریسم غرب گرا و جمهوری خواه) مرتب در حال جابه جایی است، روش تصمیم سازی آنها براساس ذهنیت هایی است که آن را قانون می نامند و باالطبع، خودشان را قانون گرا خوانده و منشاء آن را نهضت مشروطیت اعلام می نمایند. این در حالی است که تا کنون عینیتی به جز قانون اساسی مشروطه نداشته اند که آن نیز بر مبنای سلطنت است نه جمهوریت، از این رو روش تصمیم سازی جریان افراطی مرکزگرا بیشتر بر ذهنیت و نوعی ذوق و احساس قرار دارد.

۲- جریان روحانیون مبارز و گروه های همسو

جریان روحانیون مبارز و گروه های همسو تحت عنوان جریان موسوم به خط امام در پیرامون ساختار تجدیدنظرطلب قرار دارند. این جریان گرچه با تشکیل جبهه اصلاحات خود را اصلاح طلب می داند ولی دو التقاط سوسیالیستی (چپ اسلامی) و التقاط لیبرالیستی را در کارنامه خود دارند، به طوری که به نظر می رسد اصلاحات از نگرش سوسیالیستی آنها در دهه اول انقلاب صورت گرفته است و آنها را از خط عدالت خواهی به سوی خط سرمایه داری جهانی سوق داده است. مبانی تصمیم گیری این جریان بر قانون اساسی، غرب گرایی، تساهل و تسامح متکی است. البته این تساهل و تسامح همواره در راستای همگرایی با جریان تجدیدنظرطلب افراطی گرایش دارد. چنانچه می توان آن را عنصر اصلی تصمیم سازی آنها نیز نامید. گرچه آقای خاتمی با ارائه لوایح دوقلو (لایحه قانون تغییر انتخابات و لایحه قانون افزایش اختیارات ریاست جمهوری) تسلیم تجدیدنظرطلبی جریان افراطی شد و نوعی عدول از قانون اساسی را ارائه کرد ولی با اجرای به موقع انتخابات مجلس هفتم و همکاری با آقای کروبی در ارائه نامه موسوم به ۱۶۸ نماینده مجلس به منظور مقابله با نامه موسوم به ۱۲۳ نفر نماینده تجدیدنظرطلب افراطی (نامه معروف به جام زهرسیاسی) که در آن خواستند تجدیدنظر رهبری در نگرش به رابطه با آمریکا، وجود دو دولت در فلسطین اشغالی، تغییرات در افراد شورای نگهبان و تشخیص مصلحت مجلس ششم، سعی کرد روش تصمیم سازی جریان تجدیدنظرطلب را قانون گرا نماید که در شماره بعدی به مصادیق این تصمیم گیری ها خواهیم پرداخت.

نهضت آزادی و ملی- مذهبی ها

نیاز استراتژیک

نهضت آزادی ایران در واکنش به حمله رژیم اسرائیل از زمین، هوا و دریا به مناطق فلسطینی غزه که پیامد آن کشته و زخمی شدن جمع زیادی از شهروندان غیرنظامی فلسطینی بود اطلاعیه ای صادر کرد. در این اطلاعیه که از جمله موضع گیری های هفته گذشته این تشکل سیاسی است. جنایت دولت غاصب اسرائیل علیه ملت مظلوم فلسطین را به شدت محکوم کرده و اهداف آن را تضعیف دولت فلسطین، مجبور کردن حماس به شکستن آتش بس، گسترش خشونت در سرزمین فلسطین و ایجاد اختلال در روند اجرای طرح صلح خاورمیانه و تشکیل دولت مستقل فلسطین در سرزمین های اشغالی سال ۱۹۶۷ به پایتختی بیت المقدس شرقی ارزیابی کرده است. نهضت آزادی سپس مقاومت در برابر حملات اسرائیل به غیرنظامیان در مناطق فلسطینی را حق مردم فلسطین دانسته اما خویشتن داری هوشمندانه دولت فلسطین در برابر توطئه های اسرائیل را یک نیاز استراتژیک در شرایط حساس کنونی منطقه خاورمیانه عنوان کرده است اما در این اطلاعیه با توجه به شرکت حماس در انتخابات قانونی و در اختیار گرفتن اداره ملت فلسطین در شرایط بحرانی کنونی راهکاری نیز ارائه شده است: «حماس سیاست هایش را در چارچوب سیاست های کلی و تعهدات دولت فلسطین تنظیم کند تا بتواند موانع و مشکلات پیش روی روند صلح و احقاق حقوق مردم فلسطین را رفع کند.»

■ **ضرورت کار توجیهی**

تجمع روز دوشنبه هفته گذشته در میدان هفت تیر موضوع دیگری بود که رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی در گفت وگو با ایلنا در آن خصوص نظر خود را بیان کرد. محمد توسلی با طرح این پرسش که چرا با تجمع برخی نهادها که از حقوق زنان دفاع می کنند موافقت نمی شود، گفت: «اگر وزارت کشور یا سایر مقامات به جای میدان هفت تیر سالن یا پارکی را مشخص می کردند و برای تجمع زنان مجوز می دادند نه تراکمی در میدان هفت تیر به وجود می آمد و نه برخوردی صورت می گرفت و این نهادها می دانستند مطالبات خود را بیان کنند.» وی تصریح کرد: اگر این انتظارات منطقی و انسانی است باید مورد توجه قرار گیرد و اگر منطقی نباشد باید با کار توجیهی با مطالبات ناحق برخورد کرد.

■ **شریعتی روشنفکر دوران گذار**

بیست و نهم خرداد یادآور خاموشی دکتر علی شریعتی است. او به عنوان یک نواندیش مذهبی در تاریخ معاصر ایران جایگاه ویژه ای در جریان سیاسی، فرهنگی ملی- مذهبی دارد. علی طهماسبی در سایت خود در مطلبی به موضوع «شریعتی و دوران گذار» پرداخ